

تا ۹۴۲ق بر گرد این شهر بارو کشید (روملو، ۳۴۷)، اراضی پیشین قریه سناباد تبدیل به یکی از محلات چهارگانه بزرگ شهر، به نام سراب شد (سیدی، ۱۰۴ و ۱۲۲).
غرض از «سراب»، سر آب، یعنی مظهر یا فِرَنگ (فرهنگ) قنات سناباد بوده است. یکی از چهار دروازه شهر نیز در غرب محله سراب با همین نام (سراب) احداث شد (سیدی، ۱۰۷، ۱۱۶، ۱۲۲ و...). از آن پس «سراب» به دو صورت «محله سراب» و «دروازه سراب» جای نام سناباد را در مشهد گرفت و اراضی آن از محل قریه تا جوار شهر نوغان (اول خیابان طبرسی کنونی) گسترش یافت. از اوایل سده چهارده خورشیدی که شهر مشهد به بیرون باره گسترش یافت، مسیر قنات سناباد از دروازه سراب به سوی غرب، خیابان سناباد نام گذاری شده است.

ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا، ترجمه محمد تقی اصفهانی، تهران؛ ابن حوقل، محمد بن حوقل، سفرنامه ابن حوقل؛ ایران در صورة الارض، ترجمه و توضیح جعفر شعار، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۶ش؛ تاریخ سیستان، تصحیح ملک الشعرا بهار، پدیده، تهران، ۱۳۶۶ش؛ حافظ ابرو، عبدالله بن لطف الله، جغرافیای تاریخی خراسان، تصحیح غلامرضا ورهرام، اطلاعات، تهران، ۱۳۷۰ش؛ روملو، حسن، احسن التواریخ، تصحیح عبدالحسین نوائی، بابک، تهران، ۱۳۵۷ش؛ سیدی، مهدی، تاریخ شهر مشهد، جامی، تهران، ۱۳۷۸ش؛ قزوینی، زکریا بن محمد، آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه عبدالرحمان شرفکندی، اندیشه جوان، تهران، ۱۳۶۶ش؛ یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، دار احیاء التراث، بیروت، ۱۹۷۹م؛ یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۵۶ش.

مهدی سیدی

سنگاب خوارزمشاهی، ظرف سنگی یکپارچه برای نگهداری آب، از نقایس موزه مرکزی آستان قدس رضوی. این ظرف کروی شکل از سنگ سیاه یکپارچه‌ای به ارتفاع ۱/۱ متر تراشیده شده است. قطر دهانه خارجی آن ۱/۳۷ متر و ضخامت بدنه در لبه ظرف ۱۴/۵ سانتیمتر است. لبه ظرف اندکی به بیرون برگشته و روی آن شانزده نیم دایره برای قرار گرفتن ظرف‌های آنجوری تراشیده شده است. چهار دسته روی بدنه خارجی ظرف قرار دارد که هر کدام سوراخ کوچکی برای رد کردن طناب و حمل ظرف دارند. جنس ظرف از سنگی موسوم به هرکاره است که مردم مشهد از دیرباز، دست کم از سده چهارم هجری، آن را می‌شناخته و از آن دیگ می‌تراشیده‌اند. جغرافیایان ایران و عرب، نام این سنگ را به عربی قدورالبرام نوشته‌اند و چیره دستی نوغانیان را در تراش آن ستوده‌اند (حدود العالم، ۲۹۴؛ مقدسی، ۴۶۸/۲؛ ابن حوقل، ۱۶۹).

روی بدنه ظرف، چند کتیبه بی‌نقطه، شامل دعا، آیات و احادیث، نام سفارش‌دهنده، بانی، طراح و سازندگان با خطوط ثلث تزینی، نسخ و رقاع در سه ردیف حجاری، و با نقوش اسلیمی و ختایی که گاهی با خط نیز درهم آمیخته، تزین شده است.

برخی واژه‌های نخستین کتیبه در نزدیکی لبه سنگاب ساییده شده، اما بخشی از آن که برجسته مانده، چنین خوانده می‌شود: «الدنيا دار لمن لا دار له / الدنيا دیر / الدنيا قنطرة الاخره فاعتبروها و لاتعمروها / الدنيا ساعة فاجعلها طاعة / بسعی العبد المذنب الفقير الراجی المحتاج الى رحمة الله محمد بن حیدر الموسوی دام بقاءه».

دو کتیبه ردیف دوم که با خطی درشت تر نقر شده، سالم و خواناست و در هر دو، نام سلطان وقت و وزیرانش به ابهام آمده و همین امر، سنگاب و پیشینه آن را بحث‌انگیز کرده است. متن این کتیبه‌ها چنین است: سطر اول: «السلطان المعظم شهنشاه الاعظم مولی ملوک العرب والعجم سلطان ارض الله حافظ بلاد الله محرر الممالک علاء الدنيا والدین غیاث الاسلام والمسلمین ظل الله فی العالمین کھف الثقلین سلطان الخافقین



◀ بخشی از کتیبه‌ها و نقوش سنگاب خوارزمشاهی

ابوالفتح محمد سلطان السلاطین قسیم امیرالمؤمنین اعلی الله. سطر دوم: «الصاحب الاجل الکیر المؤید المظفر المنصور العالم العادل نظام الملک صدرالدولة والدين قوام الاسلام مغیث المسلمین فخرالملوک بین سلطان السلاطین ذوالمناقب والمناصب الغ بیگ اعظم خواجه جهان محمد بن مسعود اعز الله انصاره».

در همین ردیف، تاریخ ساخت ظرف در کتیبه‌ای ۹۸×۹ سانتیمتری با عبارت «بتاریخ اوائل شعبان سنة سبع و تسعين و خمس مائة» آمده است.

کتیبه‌های ردیف سوم در چهار قاب مستطیل شکل به طول ۱۰۲ تا ۱۰۶ و عرض ۳۲ تا ۳۴ سانتیمتر درج شده که هر قاب با یک بند تزیینی، از دیگری جدا شده است. هر قاب سه شمشه با قطر تقریبی ۲۴ سانتیمتر دارد که داخل آنها برخی با نقش گره‌های تزیینی و برخی با کتیبه‌ای به خط رقاع، شامل نام سازندگان و نقاش، با مضمون دعایی و حد فاصل آنها هم با نقوش اسلیمی تزیین شده است. در قاب اول، این عبارت آمده: «تامة فی شهور سنة عشرة ستمائة». قاب دوم چنین است: «خدای تعالی بر آن بنده رحمت کناد کی در آن جا حاضر شود و دعایی در آنجا به اهل این شهر کند و فرستد بر سازنده این محمد و احمد و اولاد دیگر احمد، محمد بن احمد». آسیب‌های وارد شده به بدنه، برخی کلمات را ناخوانا کرده است. در میان شکستگی‌های سنگاب، نام‌های «محمد بن احمد» و «مسعود نقاش قابل» و در کتیبه دیگر عبارت «غلام شاه رضا درویش سبیل رضا» قابل خواندن است (پیمایش).

بی‌نقطه‌بودن واژه‌ها، تشخیص تاریخ حجاری سنگاب را دشوار کرده است. هرچند صنیع‌الدوله و پوپ زمان حجاری سنگاب را ۵۷۷ق نقل کرده‌اند (بینش، ۸۱)، ولی با توجه به شکل کتیبه‌ها، نوع خط و تراش سنگاب، دو تاریخ ۵۹۷ و ۶۱۰ق درست به نظر می‌رسد. احتمالاً ساخت این سنگاب را محمد و احمد سنگ‌تراش به سفارش و نظارت محمد بن حیدر موسوی در ۵۹۷ق آغاز کرده بودند که به‌دلیلی نامعلوم، کار در میانه متوقف مانده و

دوباره فرزندان احمد و مسعود نقاش ساخت آن را در ۶۱۰ق به پایان رسانده‌اند. ظاهراً نام سلطان و وزیرش نه به‌عنوان واقف یا سازنده، بلکه برای احترام آمده است. غرض از سلطان وقت «ابوالفتح محمد قسیم امیرالمؤمنین»، هم می‌تواند سلطان غیاث‌الدین محمد سام غوری باشد که در ۵۹۷ق مشهد را متصرف شد، و هم قطب‌الدین محمد خوارزمشاه؛ هرچند آمدن نام یکی از وزیران خوارزمشاه با عنوان «خواجه جهان محمد بن مسعود» احتمال انتساب آن را به وی بیشتر می‌کند.

محل استقرار و نحوه کاربرد دقیق سنگاب تا سال ۱۳۰۰ق دانسته نیست؛ ظاهراً تا آوردن سنگاب مرمرین نادرشاه از هرات و نصب آن در سقاخانه اسماعیل طلایی در ۱۱۴۳ق از این سنگاب به‌عنوان سقاخانه استفاده می‌شده است (احتشام کاویانیان، ۱۶۴ و ۱۶۵). اعتمادالسلطنه جای آن را در کنار در دارالسیاده دانسته و از آن به‌عنوان «سنگ سقاخانه» یاد کرده است (۳۸۹/۲ و ۳۹۰) که با توجه به اشتها این محل به راهرو سقاخانه، استقرار سنگاب در آن مکان موجه به نظر می‌رسد.

این ظرف در دوره پهلوی اول به موزه منتقل، و دوده و چربی روی آن که در اثر شمع‌افروزی زائران ایجاد شده بود، زدوده شد (صمدی، ۲۱).

ابن حوقل، محمد بن حوقل، سفرنامه/ابن حوقل: ایران در صورة الارض، ترجمه و توضیح جعفر شعار، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۶ش؛ احتشام کاویانیان، محمد، شمس‌الشموس، آستان قدس، مشهد، ۱۳۵۴ش؛ اعتمادالسلطنه، محمدحسن، مطلع‌الشمس، به‌کوشش تیموربرهان لیموده‌ی، فرهنگ‌سرا، تهران، ۱۳۶۲ش؛ بینش، تقی، «سنگاب خوارزمشاهی»، نامه آستان قدس، دوره جدید، شم ۱، ۱۳۵۵؛ پیمایش، ۱۳۸۶ش؛ حدود العالم من المشرق الى المغرب، با تعلیقات ولادیمیر فئودوروویچ مینورسکی، ترجمه میرحسین‌شاه، تصحیح مریم میراحمدی و غلامرضا ورهرام، دانشگاه الزهراء،

تهران، ۱۳۷۲ش؛ صمدی، حبیب‌الله، راهنمای موزه آستان قدس، آستان قدس رضوی، مشهد؛ مقدسی، محمد بن احمد، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ترجمه علینقی منزوی، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، تهران، ۱۳۶۱ش.

مهدی سیدی و حشمت کفیلی

خرید و پس از قرائت کتیبه‌های آن به ارزش و اصالت لوح پی برد. او این لوح را «سنگ قبر حضرت ثامن الائمه» تلقی کرده، پس از مشورت با فروغی نخست‌وزیر وقت، آن را به مبلغی نسبتاً کم به دربار فروخت. ایرج افشار نیز به نقل از محمدتقی مصطفوی از فروش این لوح در اوایل سلطنت محمدرضا شاه، به دربار و ارسال آن به موزه آستان قدس رضوی خبر داده است (ص ۹۱۴).

با توجه به اشتراک نام «عبدالله بن احمد مره» سنگ تراش این لوح با لوح قدمگاه فراشاه یزد و مشابهت وجه اشتراک آنها با چندین کتیبه دیگر در یزد و موزه‌های مختلف دنیا، به احتمال زیاد خاستگاه اولیه آن یزد بوده است. ایرج افشار نیز در بررسی هفت لوح سنگی یزد که این لوح را نیز دربر می‌گیرد، با ملاحظه شباهت‌ها نوع سنگ، طرز کار و نام سنگ تراش، محل ساخت آنها را یزد دانسته است (ص ۹۱۳-۹۱۶).

همچنین تأمل در مفهوم «مقام» به معنی محل اقامت و «مشهد» به معنی محل حضور در این لوح و لوح‌های مشابه، از جمله کتیبه قدمگاه مشهد خرائق یزد و کتیبه قدمگاه علی بن موسی‌الرضا در فراشاه یزد (قوچانی، ۸۳)، مبین آن است که این لوح با تاریخ ۵۱۶ق، سنگ یکی از مقام‌ها یا قدمگاه‌های حضرت رضا علیه السلام هنگام هجرت از مدینه به مرو بوده است (افشار، ۹۱۸-۹۲۰؛ سیدی، ۳۴-۳۵).

آذربید، افضل‌الدین، گزارش کتبی مورخ ۲۱ خرداد ۱۳۷۴، اداره پژوهش و معرفی موزه‌های آستان قدس رضوی؛ احتشام‌کاویانیان، محمد، شمس‌الشموس، آستان قدس، مشهد، ۱۳۵۴ش؛ افشار، ایرج، یادگارهای یزد، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۷۴ش؛ امام، محمدکاظم، مشهد طوس، کتابخانه ملی ملک، تهران، ۱۳۴۸ش؛ سیدی، مهدی، «آل کاکویه و اولین باروی شهر مشهد»، وقف: میراث جاویدان، سال دهم، شم ۳۸، تابستان ۱۳۸۱ش؛ شبیریان، ع، «سنگ تاریخی مزار امام»، نامه آستان قدس، شم ۲۰، ۱۳۴۴ش؛ قوچانی،

سنگ‌نبشته تاریخی مقام حضرت رضا، قدیمی‌ترین

سنگ‌نبشته منسوب به مضجع حضرت رضا علیه السلام. جنس این سنگ از مرمر صابونی، شکل آن مستطیل ناقص و دارای ۴۰ تا ۴۴ سانتیمتر طول، ۳۰ تا ۳۲ سانتیمتر عرض و شش سانتیمتر ضخامت با کناره‌هایی ناصاف و ناپردها است. در حاشیه‌ها و قاب محرابی میانی سنگ، این کتیبه‌ها به خط کوفی و نسخ برجسته نگاشته شده است: در حاشیه اول «بسم الله الرحمن الرحيم صل علی محمد و علی و فاطمة و الحسن و الحسين و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و الحسن و القائم الحجه»، در حاشیه دوم «بسم الله الرحمن الرحيم انما وليکم الله و رسوله والذين آمنوا الذين يقيمون الصلوة و يؤتون الزکوة و هم راکعون»، در حاشیه اطراف قاب محراب میانی «امر بعمارة المشهد الرضوی علی بن موسی علیه السلام العبد المذنب الفقير الی رحمة الله ابوالقسم احمد بن علی بن احمد العلوی الحسينی تقبل الله منه»، در پیشانی آن «الله اکبر»، در متن محراب و حاشیه تختانی آن «هذا مقام الرضا علیه السلام اقبل علی صلواتک و لاتکن من الغافلین شعبان سنة ستة عشر و خمس مائة عمل عبیدالله بن احمد مره».

برخی نویسندگان از این سنگ به اشتباه با عنوان «نخستین سنگ مرقد امام رضا علیه السلام» یا «سنگ تاریخی مزار امام» یاد کرده‌اند (شبیریان، ۷۶-۷۷؛ امام، ۴۳۷؛ احتشام‌کاویانیان، ۳۳-۳۵)؛ اما در اسناد و متون تاریخی اشاره‌ای به این لوح به‌عنوان سنگ‌نبشته مرقد امام رضا علیه السلام نشده است.

بر اساس گزارش افضل‌الدین آذربید، وی در سال ۱۳۱۸ش این لوحه را در اصفهان از یک مغازه سمساری